

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳

روایت‌هایی از تاریخ علوم اجتماعی

حداقل سه روایت از تاریخ علوم اجتماعی وجود دارد:

در نخستین روایت که روایت تخصصی یا رشتگانی است، وجود رشته‌های دانشگاهی را مفروض می‌گیرد. در روایت دوم که با نگاه انتقادی به سمت آن رفته‌ایم، روایت معرفت‌شناختی است که با آن تحت عنوان **فلسفه علوم اجتماعی** آشنا هستیم.

روایت سوم، **روایتی تاریخی و موقعیت‌مند از علوم اجتماعی** است که تحولات فکری علوم اجتماعی را در پیوند با تحولات عینی در جامعه، دولت و نظم سیاسی می‌بیند. در این روایت خواهیم گفت که دولت مدرن و علوم اجتماعی هم‌زادند. براساس این روایت با چهار دوره مواجه هستیم:

۱. دوره اول، **دوره‌ی فلسفه‌های سیاسی و اخلاقی و دانش اجتماعی کل‌گراست**. در این دوره صورت‌بندی رشته‌ها به شکلی که امروز پذیرفته شده است، هنوز وجود ندارد. هابز، روسو و حتی تا حدودی کنت در این دوره تعریف می‌شوند. در این دوره نظم سیاسی کهن که تحت تأثیر الهیات مسیحی بوده، به هم ریخته و نظم جدیدی با شکل‌گیری دولت-ملت‌ها (۱۶۴۸) در حال ایجاد است. لذا تلاش متفکرین این دوره فهم مختصات کلی این نظم نوینی است که در حال شکل‌گیری است.
۲. دوره دوم، **دوره‌ی علوم اجتماعی رشتگانی و نهادینه شده است**. این دوره مربوط به زمانی است که بافت اجتماعی دولت‌های ملی در حال تغییر و دگرگونی است و ما با پدیده‌ی شهری شدن، تغییرات بافت جمعیتی و شکل‌گیری صنایع بزرگ مواجهیم. لذا آن علوم اجتماعی کل‌گرا نمی‌تواند پاسخ‌گوی بحران‌هایی باشد که در این دوره به تبع این دگرگونی‌ها ایجاد شده است. در این دوره است که دانشگاه پژوهشی و رشته‌های تخصصی شروع به پیدایش می‌کند. پیدایی لفظ دیسیپلین و دپارتمان، مربوط به این دوره (قرن ۱۹) است.
۳. دوره سوم، **دوره‌ی چند رشتگی، میان‌رشتگی و پسارشتگی است**.
۴. دوره چهارم هم دوره‌ی فرارشتگی است مانند چیزی که از آن به علوم اجتماعی فرونتیک تعبیر می‌شود. این دوره، **دوره جهانی شدن، افول دولت‌های ملی و ظهور بحران‌های جهانی** است. لذا شاهد یک بازآرایی جدید در علوم اجتماعی هستیم.